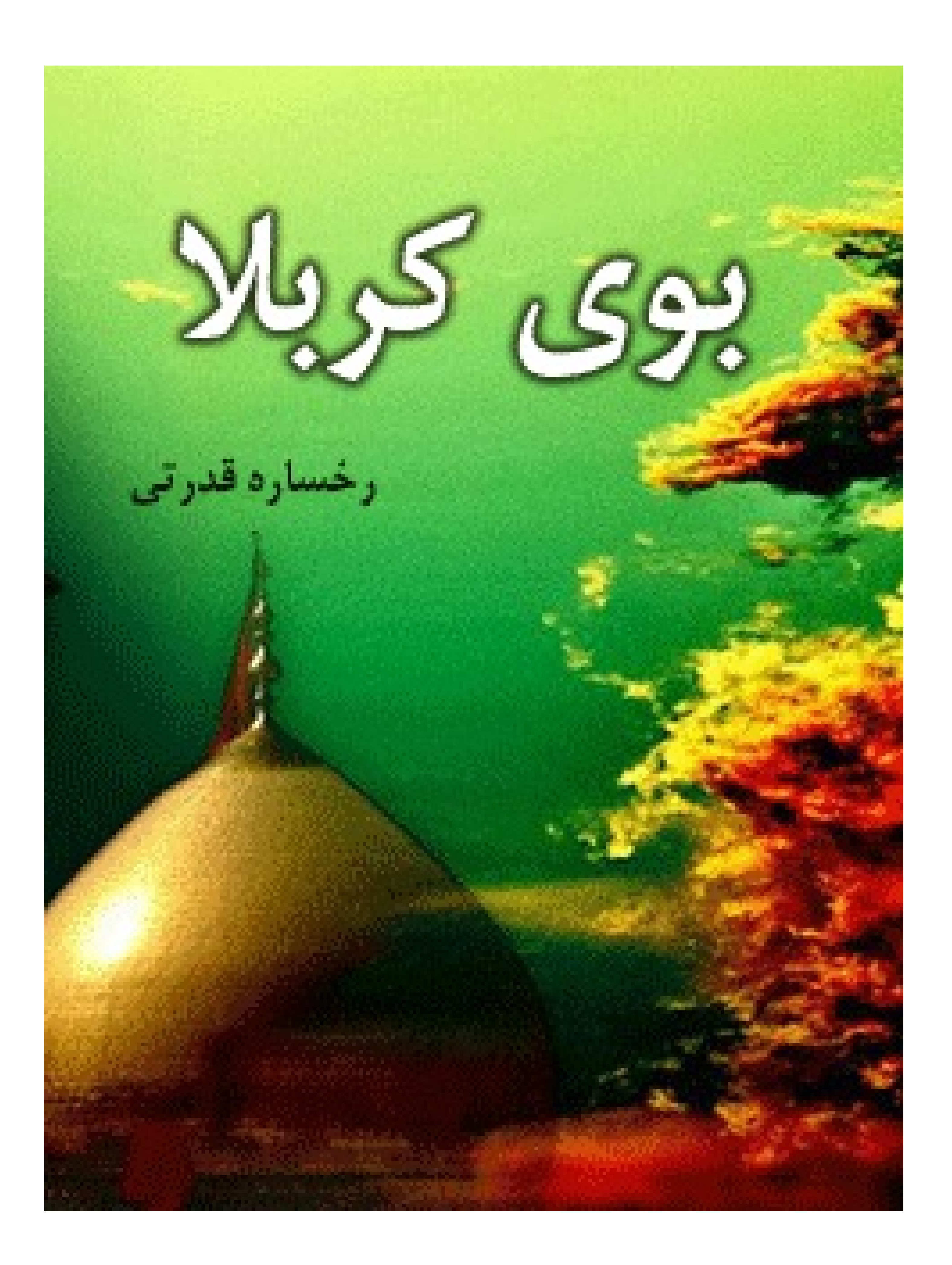

بوی کربلا
رخساره قدرتی


بسم الله الرحمن الرحیم

بوی کربلا

نویسنده:

رخساره قدرتی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بوی کربلا

مشخصات کتاب

نویسنده : رخساره قدرتی

ناشر : رخساره قدرتی

بوی کربلا

بوی گـل یعنی که بوی کربلاـ بوی یـاس خانه زاد مصـطفی یاس کوچک یاس باغ فاطمه (س یاس یعنی در دو داغ فاطمه (س بوی گل یعنی که بوی لاله ها لاله های سـرخ باغ کربلاکربلای تشـنه کام بی قرار کربلای تا همیشه سوگوارسـرزمین سروهای سرفراز عاشـقان سربدار پاکبازتشنه در حسرت یک جرعه آب سوخته از سوز هرم آفتاب کربلا باغ عطش باغ خدا شعله ور در آتشـی بی انتهاکربلا یعنی شهیدسـتان غم سـرزمین آه و اشک دم به دم باغی از شمشاد امّا سوخته زآتش بیداد یک جا سوخته سرزمین سـرخ گلهای عطش همنوای غم هم آوای عطش کربلا تاریـخ سـرخ انقلاب بین مرگ و زندگی یک انتخاب انتخاب سرخ مردانی صـبور قاصدان سـرزمین عشق و نوربوی سـرخ گل پیامی آشـناست بوی گل بوی حسین ع) و کربلاست رخساره قدرتی

مقدمه

نهضت عاشورای حسینی بر محور فداکاری و جان فشانی شکل گرفت امام حسین (ع) با مقابله در برابر ستمگران درس آزادی و آزادگی و عزت و شرف را به انسانیان آموخت با ریختن خون خودش درخت اسلام را آبیاری و امت اسلام را بیدار کرد.در فرهنگ شـیعه عاشورا عظیم ترین و انـدوهبارترین روز در تاریـخ اسـلام است بزرگترین فاجعه در این روز اتفاق افتاده و عظیم ترین سـتم به خاندان پیامبر (ص) در این روز به وقوع پیوسـته است امام رضا (ع) در این باره فرمودند: «در جاهلیت حرمت این ماه را نگاه می داشـتند و از جنگیـدن خود داری می کردند ولی ظالمان در محرم خون ما را ریختند و حرمت ما را شکسـتند و فرزنـدان و زنـان مـا را اسـیر کردنـد و خیمـه هـا را آتش زدنـد و غـارت کردنـد و حرمـت پیـامبر را در بـاره ذریه اش رعـایت نکردند.»قیام

امـام حسـین (ع) موجب احیای دین خـدا گردیـد و عاشورا فصل خون گریسـتن و یادواره دلاوریها و ایثارگری شـهیدان اسـت عـاشورا یعنی شور شـیفتگان حقیقت عـاشورا یعنی عشق و ایثار و فـداکاری عاشورا یعنی مقابله حق با باطل و سـرانجام عاشورا شعر شعوری است که در کربلا سروده شده است امام حسین (ع) که کشتی نجات و چراغ هدایت است با شهادتش اثبات کرد که انسـان بی ولاـیت محکوم به فناست «اوست که با قیام خود در برابر طاغوت تعلیم سازنـدگی و کوبنـدگی به بشـر داد و راه فنای ظالم و شکسـتن سـتمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست .در ادب فارسـی شاعران پارسـی گو همه جا امام حسین (ع) را سـتون حق و حقیقت و حماسه خونین او را مجموعه ای از فرهنگ تعالی بخش انسان ساز در همه دوران ها دانسـته اند. شاعران آزاده زبان فارسـی از همان ابتدا مظلومیت شـهیدان کربلا را به گوش جهانیان رسانیده و بعد از زینب (س پیام رسانان این نهضت بوده انـد. چنانکه می دانیم هنگام بازگشت کاروان اُسـرا و نزدیک شـدن به مـدینه در قالب شـعر این پیام به مـدینه رسـیدو شـهر یکباره شـیون و شور و ناله گشت شاعران پارسـی گوی این نهضت را با عناوینی چون نوای حسینی عشق حسینی انقلاب حسینی حماسه حسینی کربلای حسینی عاشورای حسینی عزای حسینی شور حسینی خط سرخ حسینی ...یاد کرده اند.

عاشورا در اندیشه شاعران (قبل از صفوی

اگر چه اغلب «قوامی رازی شاعر شـیعه مذهب را آغاز گر شعر عاشوارایی دانسته اند، اما نخستین قصیده منتقب و مرثیه را باید در دیوان «کسایی جستجو کرد و او را پیشگام

شعر عاشورایی دانست او نخستین سوگنامه مذهبی را درباره فاجعه کربلا درقصیده ای آورده است که مطلع آن چنین است باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا آراست بوستان را نیسان به فرش دیبا «قوامی رازی شاعر شیعه مذهب قرن ششم به تقلید از کسایی واقعه کربلا را در شعرش ترسیم کرده و فریاد حق طلبان و بیدادگری یزیدیان را به گوش جهانیان رسانده است او در قصیده ای پنجاه و نه بیتی با مطلع روز دهم ز ماه محرم به کربلا ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی هرگز مباد روز عاشورا در جهان کان روز بود قتل شهیدان کربلا این واقعه را توصیف کرده است در این مرثیه گویی شاعر خویش را در این واقعه قرار داده و آنچه می نگرد توصیف می کند. در یک طرف یزیدیان بی شمار تا بن دندان مسلح هستند و چون اژدهایان مخوف تمام میدانها را انباشته اند و در سوی دیگر حسینیان تشنه کام با عده ای اندک به خاطر افشای حقیقت به رهبری آزاد مردی از تباررسول الله(ص) آمده اند تا جان خویش را برای دین خدا نثار کنند و مرگ با عزت را برزندگی با ذلت ترجیح داده اند.در قرن ششم «سنایی شاعر عارف در یک مثنوی بیست و چهار بیتی طرفداری خویش را از خاندان عصمت و طهارت اعلام می کند.دشمنان قصد جان او کردندتا دمار از تنش برآوردنداو بر ابن زیاد و یارانش که با شمشیر آخته بر امام حسین (ع) حمله ور شدند و سر مبارکش را از تنش جدا کردند لعنت می فرستد و ندای حق طلبی را به گوش مردم می رساند وپایه های حکومت ظالم را متزلزل می سازد. او در مثنوی جان

سوز دیگری حماسه کربلا راتوصیف کرده و نسیم برآمده از کربلا را از گلزار بهشت می داند:حبذا کربلا و آن تعظیم کز بهشت آورد به خلق نسیم نکته در خور توجه این است که نه تنها شاعران شیعه مذهب بلکه شاعران سنی مذهب نیز در منقب سالار شهیدان سوگنامه سروده و با سرودهای خویش ندای مظلومیت سالارکربلا را به گوش آزاد مردان جهان رسانیده اند.«عطار نیشابوری شاعر و عارف قرن ششم و اوایل قرن هفتم ضمن مرثیه سرایی حسین را ولی خدا دانسته اند و سیرت نیکویش را ستوده و از تشنه کامی و سر بریده اش نالیده کیست حق را و پیمبر را ولی آن حسن سیرت حسین بن علی آفتاب آسمان معرفت آن محمد صورت و حیدر صفت او همچنین امام حسین (ع) را چراغ هدایت و دریای معرفت می داند و بر این عقیده است که همه عالم از نور پاکش منور شده است امامی که آفتاب خافقین است امام از ماه تا ماهی حسین است چو خورشید جهان را خسرو آمد که نه معصوم پاکش پس رو آمدچو آن خورشید اصل خاندان است به مهرش نه فلک از پس دوان است چراغ آسمان مکرمت بود جهان علم و بحر معرفت بود»مولوی شاعر و عارف قرن هفتم در مثنوی کربلا را همچون کعبه معرفی می کند:مسجد اگر کربلای من شوی کعبه حاجت روای من شوی او در غزلی دیگر به توصیف این مرغان عاشق کوی یار پرادخته که با رهایی از خویش به حقیقت رسیده اند:کجایید ای شهیدان خدایی بلا جویان دشت کربلایی کجایید ای سبک روحان عاشق پرنده تر زمرغان هوایی کجایید از زجان و دل رهیده کسی مر عقل را گوید کجایی سیف فرغانی

از شاعران سنی و حنفی مذهب که قصیده ای در شهادت گوهر پاک علی مرتضی سروده و خسته دلان را در غم و ماتم فرو برده است ای قوم بر این عزا بگریید بر کشته کربلا بگریید«خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم درباره فاجعه کربلا بر این باور است که اگر کوه این مصیبت را بشنود دل افگار خواهد شد و تاب نخواهد آورد:حدیث مقتل او گر به گوش کوه رسدشود زخون دل اجزای او عقیق مذاب او در شعر دیگری امام حسین را گوشواره عرش جهان دار خرقه پوش خسرو صوفی نشان سلطان حیدری مروارید دریای شریعت محمدی معرفی می کند که بالب خشکیده به شهادتش رساندند و جهانی را در سوگ نشاندند:آن گوشوار عرش که گردون جوهری با دامنی پر از گهرش بود مشتری درویش ملک بخش و جهان دارخرقه پوش خسرونشان صوفی و سلطان حیدری در صورتش متین و در سیرتش مبین انوار ایزدی و صفات پیمبری در بحر شرع لولو شهوار و همچو بحر در خویش غرقه گشته ز پاکیزه گوهری خواجه ناصر بخاری شاعر قرن هشتم با حسن تعلیلی بسیار زیبا شکوفایی گل سرخ در بهار را از خون امام حسین می داند و آنانی را که بعد از شهادت آن سرور دل بر این دنیا بسته اند کوردلانی می داند که اگر دنیا وفایی داشت با فرزند پیامبر (ص) چنین نمی کردند:کوردلی کاوگزید دارفنابر بقا کرد سرای سرور در سر بیت حزن کشته یکی را به زهر، غم زده و تلخ کام خسته یکی را به تیغ تشنه لب و ممتحن گل شکفد در بهار سرخ زخون حسین سبزه بر آید زخاک سبز

زهر حسن درقرن هشتم «سلمان ساوجی در شعر خویش امام حسین (ع) را مظهر اسرار خدا،چشم و چراغ انبیاء، آرام جان علی مرتضـی و گل رخسار آل مصـطفی معرفی می کنـد که مدفن مقدسـش کعبه عز و علا و منزلگاه آیات رحمت الله، مهبط انوار عز و شـرف و مشـهد آل عبـاست بوی خوش نسـیم صـبحگاهی از تربت با طراوت اوست و سیاهی شب از کلاله زلفش رنگ گرفته زوار حریمش عرشـیان و افلاکیاننـد:خاک و خون آغشـته لب تشـنگان کربلاست آخر ای چشم بلابین جون جوی پایت کجـاست جز به چشم و چهره مسپر خـاک این در کان همه نرگس و گل رخسار آل مصـطفاست ای دل بی صبر من آرام گیر اینجا دمی وین حریم بارگاه کعبه عزو علاست اوحدی یکی از شاعران دیگر است که در قصیده ای عزا به منقبت فرزند رسول الله پرداخته و از چشمها می خواهد بگریند و با سیل اشک صحرای کربلا را آبیاری کنند:این آسمان صدق و در اختر صفاست یا روضه مقدس فرزند مصـطفی است این داغ سـینه اسدالله و فاطمه است یا باغ میوه دل زهرا و مرتضی است این دیده خوابگاه حسـین علی است این یا منزل معانی و معموره علاست ای چشم خاک شو که بیابان محنت است ای چشم آب ریز که صحرای کربلاـست ابـن حسـام از شـاعرانی است که در حـال هجر به سـر می برد او در فراق خـویش راز به بـاد صـبا می گویـد و از او عاجزانه می خواهـد که به مدینه و حجاز نزد رسول الله برود و از قبرسـتان بقیع بگذرد. آنگاه عازم نجف اشـرف شود و پس از آن پیامش را همراه با

درود به برگزیدگان خدا به کربلای حسینی بگوید که چشمان او به خاطر هجر در خون نشسته است او در این قصیده شهید کربلا را با جهانی برابر می کند که از ستم شامیان در غمش اشکها روان است ای باد صبحدم خبر یار من بیار دانی چه خوش خبر یار من بیارتلخ است کام من سخنی از لبش بگو تنگ است عیش من خبری زان دهن بیاراو در قصیده دیگری آن حضرت را سرو باغ لافتا، گلبن باغ مرتضی نوبهار حسن قبله دعای مستمندان معرفی می کند که گرد و غبار مرکب زائرش دوای دیده نابیناست قندیل آفتاب کز او عرش راضیاست تاب شعاع روضه مظلوم کربلاست انوار لامعات مصابیح مرقدش چون پرتو لوامع مشکلات کبریاست

عاشورا سرایی در عصر صفوی

عصر صفوی که با تشیع گرایی سلاطین و مردم کشور همراه بود سبب شد عاشورا سرایی در مرکز حکومت و سایر نقاط مملکت رونقی به سزا یابد و شاعران این دوره با توجه به موقعیت خویش به عاشورا سرایی در مصیبت سیدالشهداء پردازند.مرثیه سرای و ذکر مصیبت ها در حیطه مذهبی در این دوره دویست ساله پیش از تمام دوره های تاریخ است گرایش شدید حکومت صفوی به مذهب تشیع در مرثیه سرایی و منقبت خاندان عصمت و طهارت بسیار مؤثر بوده است مثلاً وقتی «محتشم قصیده ای در مدح شاه طهماسب صفوی سرود، شاه گفت «من راضی نیستم شاعران زبان به مدح و ثنای من بگشایند بهتر است قصیده در شأن حضرت علی (ع) و امامان معصوم بگویند و جایزه خود را ابتدا از ارواح مقدس آنان گرفته پس از آن از ما توقع بدارند.»بنابراین شاعرانی که با

نیتی غیر از ستایش امامان و ترویج اندیشه های مذهبی شعر می گفتند در نزد شاهان صفوی جایی نداشتند و به خاطر همین بسیاری از شاعران راه هند را در پیش گرفتند و به دربار شاهان هند رفتند.اگر چه اغلب شاعران در دوره های قبل از صفوی شغل و پیشه ای نداشتند و فقط مداح دربار حاکمان و سلاطین بودند در این دوره بیشتر شاعران صاحب شغل و پیشه ای بودند و شعر و شاعری بیشتر در خدمت اجر اخروی قرار گرفته است از لحاظ سبک شعری اگر چه شاعران این دوره به خاطر تقلید، شعر در حالت رکود به سر می برد اما برخی شاعران مضامین جدیدی در شعر پدید آورده اند که در نوع خود بی نظیر است شعرهای مذهبی این دوره از سوزناک ترین و غم انگیزترین مرثیه های شعر دینی در طول تاریخ گذشته است در دوره های قبل از صفویه شاعران اغلب به تک بیتهایی درباره حماسه کربلا بسنده کرده و با ذکر مصیبت سیدالشهداء و یارانش اشک از دیده جاری کرده اند شاعران این دوره بیشتر خود را در سرزمین کربلا۔ احساس کرده به گونه ای که شاهد ستمگریهای یزیدیان و تشنه کامی حسینیان بوده اند.اگر چه عاشورا سرایی از قدمت بیش از هزار ساله در ادبیات فارسی برخوردار است و شاعران پارسی گو امام حسین را استوانه حق و حقیقت دانسته اند اما به یقین باید گفت : تعالی مرثیه سرایی در شاعران شیع عصر صفوی جلوه گر شده است «وحشی بافقی یکی از شاعران این دوره در مرثیه ای روز عاشورا را روز ماتم جهان بیان کرده است که یزیدیان با تیشه ستم گلستان کربلا را غارت کردند:روزی است که حادثه کوس

بلاـ زده است کوس بلاـ به معرکه کربلا زده است روزی است که دست ستم تیشه جفا بر پای گلبن چمن مصطفی زده است روزی است که بسته تتق آه اهل بیت چتر سیاه بر سر آل عبا زده است بابا فغانی شیرازی شاعر دیگر این دوره سرخی رنگ گلها را از خون شهیدان می داند؛هر گل که بر دمید زهامون کربلا دارد نشان تازه مدفون کربلا«اهلی شیرازی شاعر مشهور عصر صفوی در حسرت غم تشنگان کربلا دیده را دجله ساخته و از سوز جگر برای سوخته های دشت کربلا با سوز و گداز می نالد:ماه محرم است و شد دجله روان زچشم ما بهر حسین تشنه لب شاه شهید کربلاتشنه لبان کربلا روی به خاک و تن به خون ما پی آبروی خود، خاک بر آبروی مابا شهدای کربلا لاف و وفا هر که زند گرنه شهید گریه شد، مدعی ای است بی وفا«اهلی شیرازی در مرثیه دیگری خاک کربلا را به خاطر خون اهل بیت پیامبر سرشار از ماتم و اندوه می بیند:آمد عشور و در همه ماتم گرفته است آه این چه ماتم است که عالم گرفته است ماه محرم آمد و بیگانه را چه غم کاین برق غم به سینه محرم گرفته است زان مائده است تشنه جگر خاک کربلا کز خون اهل بیت نبی غم گرفته است

محتشم سرآمد عاشورا سرایان

«مولانا کمال الدین محتشم کاشانی از جمله بازاریانی بود که به شاعری روی آورد او در بازار کاشان به بزازی مشغول بود.محتشم از کسانی بود که به سفارش شاه طهماسب صفوی به اشعار دینی روی آورد. در ادب فارسی کم نیستند شاعران عارفی که لطف خداوندی

شامل آنان گشته از گرداب مدح و ستایش به تعالی عرفان رسیده اند «سنایی غزنوی شاعر و عارف قرن ششم که چهل سال از عمرش به بطالت گذشت و سرانجام به عرفان روی آورد و از شاعران عارف معروف گشت او اولین شاعری است که عرفان در شعر او جلوه گری می کند. «ناصر خسرو قبادیانی که به قول خودش با دیدن خوابی از خواب چهل ساله بیدار می شود و عطار نیشابوری یکباره وابستگی های دنیا را رها می کند. «محتشم نیزیکی از شاعرانی است که لطف خداوندی شامل او گشت او که ابتدا شاعری قصیده پرداز و مدیحه سرا بود با سرودن ترکیب بند معروف عاشورایی خویش خورشید درخشان آسمان مرثیه سرایی گردید تا جایی که شاعران صاحب ذوقی چون «صباحی بیدگلی ، «وصال شیرازی و «میرزا محمود فدایی مازندرانی که طولانی ترین ترکیب بند عاشورایی ادب فارسی را در بیش از چهار هزار بیت سروده است از سبک او پیروی کرده اند.او در مرثیه سرایی بهترین قالب را برگزید و با سرودن دوازده بند معروف عاشورایی والاترین مرثیه سرای شعر پارسی گشت که هر چه دارد. همه از دولت اقبال حسین (ع)دارد و بس «محتشم در این شعر واقعه کربلا را به قیامتی مانند کرده است که بدون آنکه اصرافیل در صور بدمد قیامتی به پا می شود او چون بر احادیث اسلامی احاطه کامل دارد حالتهای پدیدار شدن قیامت را شرح می دهد «آفتاب از مشرق طلوع می کند و در تمام عالم شور قیامت پدید می آید و زلزله بزرگی در زمین رخ می دهد».باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و

چه عزا و چه ماتم است گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است گر خوانمش قیامت دنیا عجیب نیست این رستخیز عام که نامش محرم است و در قسمتی دیگر:عرش آنزمان بلرزه درآمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکاروانگه زکوفه خیل الم رو به شام کرد نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرداو شاعری است که هر واژه را در جای مناسب خویش بکار برده است کمتر شاعری مانند او اینگونه از واژه ها در نهایت سلاست و صلابت استفاده می کند و از آن بهره مند می گردد.بر خوان غم چون آدمیان را صلا زدنداول صلا به سلسله انبیا زدند اصلی ترین معنی واژه «صلا زدن دعوت کردن برای غذا است لذا، او در ابتدا خوان را گسترده سپس آدمیان را صلا زده است در بیتی دیگر:زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد فریاد العطش ز بیابان کربلادر این بیت واژه «عیوق را آورده است عیوق ستاره ای است سرخ و آتشین که در سمت راست دورترین قسمت آسمان است با تشنگی و سوزندگی ارتباط خاصی دارد راهنمای تشنگان در بیابانهاست لذا فریاد العطش کودکان به عیوق می رسد.و یا:بهر خسی که بار درخت شقاوت است در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده ای واژه «خس را بالاـترین بار معنایی به کاربرده است در بیت ای زاده زیاد نکرده است هیچگاه نمرود این علم که تو شداد کرده ای واژه «زاده در کنار «زیاد» و «نمرود» و «شداد» در نهایت سلاست در اوج معنا به کار برده است از جهت تصویر اگر چه اغلب شاعران تصویر سازی را فقط به خاطر

زیبـایی در شـعر آورده انـد محتشم کوشـش کرده است تصویر را وسـیله ای برای القـاء حالتها و نمایش جوانب گوناگون قرار دهـد لحظه لحظه این حمـاسه را احسـاس کرده است گویی او در متن واقعه بوده و آنچه تصور می کنـد نه تنهـا با چشم دیـده است بلکه ضـربه های سـلاح ها و سوز و گداز تشـنگی را چشیده است و این همان هم دردی با مظلومان دشت کربلاست این کشـته فتـاده به هامون حسـین توست این صـید دست و پازده در خون حسـین توست این ماهی فتاده به دریای خون که هسـت زخم از سـتاره بر تنش افزون حسـین توست و یا:هر چند بر تن شـهدا چشم کار کرد بر زخمهای ضـربه تیر و سـنان فتادیکی از ویژگی های بارز «محتشم هوشـیاری عجیب او در شـناخت نقش های مختلف واژه هاست او جای آریه ها را می دانـد هیچگاه به طرف افراط و تفریط نمی رود همه را در حد اعتدال به کار می بندد تشبیه ها و اسـتعارهای بیت های زیر بیان گر این مطلب است کاش آن زمان سـرادق گردون نگون شدی این خیمه بلند سـتون بی ستون شدی و:این نخل تر کز آتش جانسوز تشنگی دود از زمین رسانده به گردون دون شدی واژه «نخل را به تنهایی به کار نبرده است بلکه صفت «تر» را در کنار آن قرار داده تا بـا تشـنگی مناسـبت داشـته باشـد.و «خشک لب در کنار فرات قرار گرفته شـده است این خشک لب فتاده دور از لب فرات کز خون او زمین شده جیحون حسـین توست پرنده خیال او تا مرز حیرت پرواز می کند او می تواند از رهگذر تصویرهای استعاره و تشبیه بگذارد و به نهایت صور خیال برسد.در ترکیب بند

«محتشم وسیع ترین صور خیال اغراق شاعرانه است اغراق در شعر او ویژگیهایی دارد که از نظر برتری با اشعار شاعران قابل قیاس نیست اغراقهای او شامل رمز و رازهایی است که جلوه گر حقیقت هاست «فردوسی در بیت شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب به غیر از شکوه و عظمت افراسیاب هدفی دیگر ندارد اما محتشم از اغراق نه تنها برای بیان عظمت فاجعه کربلا بلکه هدفی فراتر از آن دارد:باز این چه رستخیز عظیم است در زمین بی نفخ صور خواسته تا عرش اعظم است اگر «فردوسی در محسوسات قدم می گذارد و می گوید:چو فردا برآید بلند آفتاب من و گرز و میدان و افراسیاب چنانش بکوبم به گرز گران که فولاد کوبند آهنگران او از این مرحله پا فراتر می نهد و در نامحدود کرانه جای می گیرد او در اغراقها نیز آنچه فقه شیعی به او آموخته مدد می جوید «قیامت بارگاه قدس ملک ..»در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است و یا:شد وحشتی که شور قیامت ز یاد رفت چون چشم اهل بیت بر آن کشتگان فتادو یا:چون خون زحلق تشنه او بر زمین رسید جوشید از زمین و به عرش برین رسیدو یا:آن خیمه ای که گیسوی حورش طناب بود شد سرنگون ز باد مخالف حباب وار«محتشم در این ترکیب بند به غیر از مرثیه و ندبه هدف دیگری دارد او بیان کننده حقیقت ها و واقعیت هاست یکی از اهداف یزیدیان و خاندان بنی امیه گمنام نگه داشتن این نهضت بود تا جایی که کاروان اُسرا را خارجی لقب دادند، «محتشم

در این مرثیه بیان گر آن است که امام حسین کیست و چه مقامی دارد؟ لذا فریاد بر می آورد:آن سر که بود که بر سرودش نبی مدام اکنون بیا بر سر این نیزه ها ببین آن تن که بود که پرورشش در کنار تو غلطان به خون به معرکه کربلا ببین که بیان گر: «حسین منی و انا من حسین است بی اختیار نعره هذا حسین اوسرزد چنان که آتش از او در جهان زدند و نا گاه خواننده خود را در شام و کوفه خطبه کوبنده زینب را به یاد می آورد که خورشید و آسمان و زمین نور مشرقین پرورده کنار رسول خدا حسین او در بیت دیگر مقام و عزت امام حسین (ع) را چنین بیان می کند:وانگه سرادقی که ملك محرمش نبود کندند از مدینه و در کربلا زدندو باز کینه این قوم را به گذشته بر می گرداند که با مادرش حضرت زهرا (س چه کردند:آن در که جبرئیل امین بود خادمش اهل ستم به پهلوی خیرالنسا زدنداین حدث معروف «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه را «محتشم در این ترکیب دو بار بیان کرده است کشتی شکست خورده طوفان کربلا بر خاك و خون تپیده به میدان کربلاکاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست عالم تمام غرقه دریای خون شدی او بیان کننده آن است که یزید کیست و از چه خاندانی است لذا، بهترین تعبیر را که برگفته از قرآن است انتخاب کرده بهر خسی که بار درخت شقاوت است در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده ای «درخت شقاوت این همان تفسیر آیه «مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه

اجتثت من فوق الارض مالها من قرار»که تفسیر نویسان نقل کرده اند منظور از شجره خبیثه که به قول محتشم همان درخت شقاوت می باشد بنی امیه است هنگامی که دختر امام حسین (ع) با سر بریده پدر رو به رو شد اولین سخنش این بود که ای پدر! چادر از سر ما برداشته و عمه ام زینب را کتک زدند حضرت زینب (س درخطبه معروفش به یزید فرمود: «شما کنیزکان خود را پنهان نگاه داشته اید و خاندان پیامبر را به هر سو می برید و چشمها آنها را می نگرند» محتشم از این سوگ با دلی پر دردمی گوید:جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل گشتند بی عماری و محمل شتر سوارو سپس او با مهارتی تمام قیامتی را که در ابتداری این ترکیب نبد پدید آورده بود نابود می سازد زیرا حادثه عظیم تری رخ می دهد:شد وحشتی که شور قیامت زیاد رفت چون چشم اهل بیت بر آن کشتگان فتاد او به خاطر اوج این فاجعه جمله معروف حضرت زینب «انت اخی را بیان می کند:این کشته فتاده به هامون حسین توست این صید دست و پا زده در خون حسین توست این خشک لب فتاده دور از لب فرات کز خون او زمین شده جیحون حسین توست این ماهی فتاده به دریای خون که هست زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست و سرانجام خاموش محتشم که دل سنگ آب شد مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

نتیجه

از هنگامی که امام حسین (ع) به شهادت رسید. شاعران آزاده این واقعه را به تصویر کشیده اند و در سوگ سالار شهیدان نالیده و هر یک در فراخور حال سوگنامه ها سروده اند. در دوره صفوی که

تشیع گرایی رونق می یابد عاشورا سرایی نیز بسیار رواج می گیرد، که اوج این عاشورا سرایی در ترکیب بند محتشم نمودار شده است زیرا محتشم با ذوق سرشار خویش و احاطه در احادیث و روایات اسلامی چنان آن را ترسیم کرده است که گویی نه تنها این واقعه را دیده بلکه در آن شرکت داشته است تا جایی که خواننده را باخویش همنوا می سازد. از طرفی دیگر او هدفی والاتر از مرثیه سرایی دارد و آن بیان کننده حقیقتی است که همیشه ستمگران تاریخ قصد پنهان کردن آن را داشته اند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹